

صد مانیفست

مانیفست‌های هنرمندان
از فوتوریست‌ها تا استاکیست‌ها

آکس دانچف
مهدی امیرخانلو



عنوان و نام پدیدآور:

۱۰۰ مانیفست هنرمندان: از فوتوریست ها تا استاکیست ها /
[ویراستار و مقدمه نویس] آلکس دانچف؛ ترجمه مهدی امیرخانلو.

مشخصات نشر:

تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری:

۸۰۸ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵، ۲۱ س.م.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۶۰۴۷-۸۱-۲

وضعیت فهرست نویسی:

فیپا

دارد:

عنوان اصلی: 100 artists manifestos, c 2011.

عنوان مترجم:

صد مانیفست هنرمندان

موضوع:

جنبش های هنری -- تاریخ -- قرن ۲۰ م.

موضوع:

Art movements -- History -- 20th century

موضوع:

هنرنوین -- قرن ۲۰ م. Art, Modern -- 20th century

شناسه افزوده:

دانچف، الکس، ویراستار

شناسه افزوده:

Danchev, Alex

شناسه افزوده:

میرخانلو مهدی، مترجم

رده بندی کنگره:

۳۹۷ ص. ۱

رده بندی دیویی:

۷۰۹

شماره کتابشناسی ملی:

۱۷۳۱۹۴

صد مانیفست: مانیفست های هنرمندان، از فوتوریست ها تا استاکیست ها

گزینش: آلکس دانچف

مترجم: مهدی امیرخانلو

ویرایش متن: مهران موسوی

ویرایش فنی: سارا وطن آبادی

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

طراحی کتاب: استودیو کارگاه - مصطفی بهزادی

اجرا: یاسر عزاباد، نیلوفر سیاح

ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ *** info@hanoozpub.com *** www.hanoozbooks.com

- ۱۵ سپاسگزاری و توضیح مترجم
- ۱۹ مقدمه. مانیفست دادن: له و علیه
- ۳۹ برای مطالعه بیشتر
- ۴۳ توضیحی درباره متن‌ها
- ۴۵ مانیفست ۱. اف. تی. ماریتی، بنیان‌گذاری و مانیفست فوتوریسم (۱۹۰۹)
- ۵۷ مانیفست ۲. اومبرتو بوتونی و دیگران، مانیفست نقاشان فوتوریست (۱۹۱۰)
- ۶۴ مانیفست ۳. اومبرتو بوتونی و دیگران، نقاشی فوتوریستی: مانیفست فنی (۱۹۱۰)
- ۷۱ مانیفست ۴. اومبرتو بوتونی، خورشید سبز (۱۹۱۰)
- ۸۰ مانیفست ۵. اف. تی. اریتم. علیه ونیز سنت‌گرا (۱۹۱۰)
- ۸۳ مانیفست ۶. گیوم آپولینر، در باب سوره نقاشی مدرن (۱۹۱۲)
- ۸۸ مانیفست ۷. والتین دوسن پران، مانیفست زنان فوتوریست (۱۹۱۲)
- ۹۷ مانیفست ۸. واسیلی کاندینسکی، در باب مارک، مقدمه سالنامه سوارکار آبی
- ۱۰۲ مانیفست ۹. والتین دوسن پران، مانیفست فوتوریستی شهوت (۱۹۱۳)
- مانیفست ۱۰. میخائیل لاریونوف و ناتالیا گنچارووا، ریونست ۹ و فوتوریست‌ها:
- ۱۱۰ یک مانیفست (۱۹۱۳)
- ۱۲۰ مانیفست ۱۱. گیوم آپولینر، مانیفست فوتوریستی علیه سنت (۱۹۱۳)
- ۱۲۴ مانیفست ۱۲. کارلو کارا، نقاشی کردن صداها، همه‌ها و بوها (۱۹۱۳)
- ۱۳۳ مانیفست ۱۳. جاکو موبالا، مانیفست فوتوریستی در باب لباس مردان (۱۹۱۳)
- ۱۳۹ مانیفست ۱۴. مینالوی، گزین‌گویی‌هایی در باب فوتوریسم (۱۹۱۴)
- ۱۴۸ مانیفست ۱۵. ریچتو کانودو، هنر سرپرست (۱۹۱۴)
- مانیفست ۱۶. ماریتی و سی. آر. دابلیو. نوینسون، مانیفست فوتوریسم
- ۱۵۶ علیه هنر انگلیسی (۱۹۱۴)
- ۱۶۲ مانیفست ۱۷. ویندام لوئیس و دیگران، مانیفست (۱۹۱۴)

- مانیفست ۱۸. ویندام لوئیس و دیگران، گردباد ما (۱۹۱۴) ۱۷۲
- مانیفست ۱۹. آنتونیو سنت الیا، مانیفست معماری فوتوریستی (۱۹۱۴) ۱۷۶
- مانیفست ۲۰. اف. تی. ماریتی و دیگران، سنتز فوتوریستی جنگ (۱۹۱۴) ۱۸۵
- مانیفست ۲۱. مینالوی، مانیفست فمینیسم (۱۹۱۴) ۱۸۷
- مانیفست ۲۲. کارلو کارزا، نقاشی جنگ (۱۹۱۵) ۱۹۲
- مانیفست ۲۳. ولادیمیر مایاکوفسکی، یک قطره قیر (۱۹۱۵) ۲۰۰
- مانیفست ۲۴. کازیمیر مالویچ، مانیفست سوپرماتیسم (۱۹۱۶) ۲۰۶
- مانیفست ۲۵. هوگوبال، مانیفست دادا (۱۹۱۶) ۲۳۹
- مانیفست ۲۶. الگارزانووا، کوپریسم، فوتوریسم، سوپرماتیسم (۱۹۱۷) ۲۴۴
- مانیفست ۲۷. ویمیر مایاکوفسکی و دیگران، مانیفست ائتلاف ۲۴۴
- مانیفست ۲۸. ترستان تسارا، مانیفست دادا (۱۹۱۸) ۲۴۹
- مانیفست ۲۹. ریشارت هولزنیک، نه ستین مانیفست آلمانی دادا (۱۹۱۸) ۲۵۲
- مانیفست ۳۰. آمده اوزانفان و شان ادوار انره [ارکوربوزیه]، پوریسم (۱۹۱۸) ۲۶۸
- مانیفست ۳۱. آلکساندر رادچنکو و دیگران، مانیفست سوپرماتیست ها و نقاشان غیرابژکتیو (۱۹۱۹) ۲۷۶
- مانیفست ۳۲. ریشارت هولزنیک و راثول هاوسمان، ادائیجه چیست ۲۸۱
- در آلمان چه می خواهد؟ (۱۹۱۹) ۲۸۵
- مانیفست ۳۳. والتر گروپیوس، معماری چیست؟ (۱۹۱۹) ۲۸۸
- مانیفست ۳۴. فرانسیس پیکایا، مانیفست دادا (۱۹۲۰) ۲۹۳
- مانیفست ۳۵. فرانسیس پیکایا، مانیفست کانیاالیستی دادا (۱۹۲۰) ۲۹۷
- مانیفست ۳۶. ترستان تسارا و دیگران، بیست و سه مانیفست برای جنبش دادا (۱۹۲۰) ۳۰۰
- مانیفست ۳۷. نائوم گابو و آنتون پفشنر، مانیفست جنبش رئالیسم (۱۹۲۰) ۳۳۵
- مانیفست ۳۸. لیوئوف پاپووا، دریاب سازماندهی مجدد (حدود ۱۹۲۱) ۳۴۳

- مانیفست ۳۹. ترستان تسارا و دیگران، دادا همه چیز را می شوراند (۱۹۲۱) ۳۴۷
- مانیفست ۴۰. مانوئل مایلس آرسه، یک رهنمود استریدنتی (۱۹۲۱) ۳۵۳
- مانیفست ۴۱. ژیگا ورتوف، ما: نسخه ای از یک مانیفست (۱۹۲۲) ۳۶۷
- مانیفست ۴۲. تتوان دوسبورخ و دیگران، مانیفست شماره ۱ دستیل (۱۹۲۲) ۳۷۵
- مانیفست ۴۳. ویستته اوئید و پرو، باید خلق کنیم (۱۹۲۲) ۳۷۹
- مانیفست ۴۴. آلکساندر رادچنکو، مانیفست گروه هنرمندان
- کانستراکتیویست (حدود ۱۹۲۲) ۳۸۲
- مانیفست ۴۵. لوکوربوزیه، به سوی یک معماری (۱۹۲۳) ۳۸۸
- مانیفست ۴۶. تتوان دوسبورخ و دیگران، مانیفست هنر پرولتری (۱۹۲۳) ۳۹۸
- مانیفست ۴۷. سوممای سرایا و دیگران، مانیفست ماوو (۱۹۲۳) ۴۰۲
- مانیفست ۴۸. داوید آلکس بروس و دیگران، مانیفست اتحادیه کارگران،
- تکنیسین ها، نه شان مجسمه سازان مکزیک (۱۹۲۳) ۴۰۷
- مانیفست ۴۹. گروه سرخ، مانیفست (۱۹۲۴) ۴۱۲
- مانیفست ۵۰. آندره برتون، مانیفست سوررئالیسم (۱۹۲۴) ۴۱۵
- مانیفست ۵۱. خوسه کارلوس ماریاتگی، هنر، انقلاب و انحطاط (۱۹۲۶) ۴۳۰
- مانیفست ۵۲. سالوادور دالی و دیگران، مانیفست ردد (۱۹۲۸) ۴۳۶
- مانیفست ۵۳. اسوالد آندراده، مانیفست کانیبالایسم (۱۹۲۸) ۴۴۷
- مانیفست ۵۴. آندره برتون، مانیفست دوم سوررئالیسم (۱۹۲۹) ۴۵۶
- مانیفست ۵۵. اف. تی. ماریتی و فیلیا، مانیفست آشپزی فوتوریست (۱۹۳۰) ۴۶۸
- مانیفست ۵۶. کانون جان رید نیویورک، پیش نویس مانیفست (۱۹۳۲) ۴۷۹
- مانیفست ۵۷. ماریو سیرونی، مانیفست نقاشی دیواری (۱۹۳۳) ۴۸۷
- مانیفست ۵۸. کارولی (شارل) شیراتو و دیگران، مانیفست دیمانسیونیسیم (۱۹۳۶) ۴۹۳
- مانیفست ۵۹. آندره برتون، دیگور یورا و لئون تروتسکی، مانیفست:
- به سوی یک هنر انقلابی آزاد (۱۹۳۸) ۴۹۸
- مانیفست ۶۰. ژان (هانس) آرپ، هنر انضمامی (۱۹۴۲) ۵۰۸

- مانیفست ۶۱. لوجوفوتانا، مانیفست سفید (۱۹۴۶) ۵۱۳
- مانیفست ۶۲. ادگار پیللی و دیگران، مانیفست اینونسیونیسیم (۱۹۴۶) ۵۲۳
- مانیفست ۶۳. کُنستانت نیونهوویس، مانیفست (۱۹۴۸) ۵۲۷
- مانیفست ۶۴. بارنت نیومن، والا همین اکنون است (۱۹۴۸) ۵۳۸
- مانیفست ۶۵. ویکتور واسارلی، یادداشت‌هایی برای یک مانیفست (۱۹۵۵) ۵۴۵
- مانیفست ۶۶. جیرویوشیهارا، مانیفست کوتای (۱۹۵۶) ۵۵۱
- مانیفست ۶۷. ژان تنگلی، دردفاع از استاتیک (۱۹۵۹) ۵۵۹
- مانیفست ۶۸. فزئیرا گولار، مانیفست نو-انضمامی (۱۹۵۹) ۵۶۳
- مانیفست ۶۹. گوستاف متسگر، هنر خودویرانگر (۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱) ۵۷۰
- مانیفست ۷۰. سی‌دوبور، مانیفست سیتواسیونیسیم (۱۹۶۰) ۵۷۶
- مانیفست ۷۱. ریمو او. نیرگ، من طرفدار هنری هستم (۱۹۶۱) ۵۸۳
- مانیفست ۷۲. گریگ بازل، مانیفست اول آشوب و بلوا، نسخه دوم (۱۹۶۱) ۵۹۲
- مانیفست ۷۳. رافائل مونتاناس، دیستراکتیویسم: یک مانیفست (۱۹۶۲) ۵۹۸
- مانیفست ۷۴. جورج ماچونس، مانیفست نوکسوس (۱۹۶۳) ۶۰۳
- مانیفست ۷۵. وولف فوستل، مانیفست (۱۹۶۳) ۶۰۸
- مانیفست ۷۶. استن برکیچ، استعاره‌هایی درباره‌ی زیبایی (۱۹۶۳) ۶۱۱
- مانیفست ۷۷. استنلی برون، یک مانیفست کوتاه (۱۹۶۱) ۶۱۶
- مانیفست ۷۸. درک جارمن، مانیفست (۱۹۶۴) ۶۱۹
- مانیفست ۷۹. رابرت ونچوری، معماری غیرسراسر: یک مانیفست (۱۹۶۶) ۶۲۳
- مانیفست ۸۰. گیلبرت و جورج، قوانین مجسمه‌ها (۱۹۶۹) ۶۲۷
- مانیفست ۸۱. میرل لادرمن یوکیلس، مانیفست هنرنگهداری (۱۹۶۹) ۶۳۰
- مانیفست ۸۲. پل نیاگو، مانیفست هنرلمس‌کردنی (۱۹۶۹) ۶۳۵
- مانیفست ۸۳. گیلبرت و جورج، معنای هنر ما چیست (۱۹۷۰) ۶۳۸
- مانیفست ۸۴. داگلاس دیویس، مانیفست (۱۹۷۴) ۶۴۱
- مانیفست ۸۵. ماریون دیب و دیگران، مانیفست جنبش سوزنالیسم عرب (۱۹۷۵) ۶۴۳

مانیفست ۸۶. رم کولهاس، نیویورک هذیانی: مانیفستی برای منهن

۶۴۸

بانگاه به گذشته (۱۹۷۸)

۶۵۳

مانیفست ۸۷. کوپ هیمبلد(ل)ائو، معماری باید شعله ور باشد (۱۹۸۰)

۶۵۸

مانیفست ۸۸. گئورگ بازلتس، ابزار نقاشان (۱۹۸۵)

۶۶۷

مانیفست ۸۹. آر. بی. کیتای، مانیفست اول دیاسپورسم (۱۹۸۹)

۶۷۶

مانیفست ۹۰. لبوس وودز، مانیفست (۱۹۹۳)

۶۸۰

مانیفست ۹۱. دگما ۹۵، مانیفست (۱۹۹۵)

۶۸۷

مانیفست ۹۲. مایکل بتانکورت، مانیفست — (۱۹۹۶)

۶۹۰

مانیفست ۹۳. چارلزنکس، ۱۳ گزاره درباره معماری پست مدرن (۱۹۹۶)

۶۹۴

مانیفست ۹۴. ررنره سوگ، اعلامیه مینسوتا (۱۹۹۹)

۶۹۹

مانیفست ۹۵. بیل چاندیش، چارلز تامسون، مانیفست استاکس (۱۹۹۹)

۷۰۷

مانیفست ۹۶. تاکاشی راکامی، مانیفست سوپرفلت (۲۰۰۰)

۷۱۱

مانیفست ۹۷. بیلی چایلدیش، چارلز تامسون، مانیفست ریمندرنسم (۲۰۰۰)

۷۱۶

مانیفست ۹۸. آر. بی. کیتای، مانیفست دیاسپورسم (۲۰۰۷)

مانیفست ۹۹. آستین ویلیامز و دیگران، مانیفست: سوی یک اومانسم

۷۳۷

جدید در معماری (۲۰۰۸)

مانیفست ۱۰۰. اجورث جانستون، شلی لی و دیگران، مانیفست نمان گذاری و

۷۴۸

قوانین سایر استاکس های ماسول هیل (۲۰۰۹)

۷۵۳

فهرست نام ها

مقدمه

مانیفست دادن: له و علیه

«علیه - مانیفست خواهند داد، اگرچه شاهزاده نباشم.»

امونل ریچاردسون، کلاریسا (۸ - ۱۷۴۷)

«گنورگه ویلهلم هان به من شکایتی را در پیش گرفت، صلح به هر

قیمتی... و جز شکوه کردن به من نگذاشتن و مانیفست دادن، عامدانه

هیچ کاری نکرد.» تامس کارلان، فردریک کبیر (۱۸۷۲)

مانیفست‌ها

مانیفست

مانیفس

مانیف

مانی

مان

ما

م

ویستنه اونیدویرو، مانیفست‌ها بیان می‌کنند (۱۹۲۵)

به گفته ویرجینیا وولف، «در دسامبر ۱۹۱۰ یا همان حدود، سرشت بشر تغییر کرد». [۱] مدرنیسم مسلط شد. مبدأ مانیفست‌نویسی را می‌توان کمی دقیق‌تر از آن تعیین کرد. در ۲۰ فوریه ۱۹۰۹ یا همان حدود، یعنی زمانی که «بنیان‌گذاری و مانیفست فوتوریسم» (م ۱ در این کتاب) در صفحه اول روزنامه فیگارو با حروف درشت به چاپ رسید، مانیفست‌نویسی با تمام قدرت آغاز شد. آن سند بلندآوازه نه تنها سرآغاز نهضتی نوین را اعلام کرد، بلکه درآیشتی جدید، عملاً ژانری جدید، نوعی ماجراجویی در عالم بیان هنری به راه انداخت.

روزگاری مانیفست‌نویسی ملک طلق شاهان و شاهزادگان بود. در قرن هفدهم، نویسندگان آلمانی «ستم‌دیدگان مستضعف انگلستان»^۱ آن را ربودند و به نفع خود استفاده کردند؛ آن‌ها یکی از گروه‌های مخالف رادیکال زمانه خود بودند. به نام «حفاظ و تسطیح‌کنندگان»^۲ نیز شناخته می‌شدند. در سال ۱۸۴۸، کارل ماکس و فریدریش انگلس آن را از آن خود ساختند: مانیفست کمونیسم نخستین نمونه مانیفست در دوران مدرن است، «سرمشق مانیفست‌ها و جنبش‌های مدرنیسم» که تا آنجا بود در سده بعدی از راه برسند». [۲] مانیفست کمونیسم بیش و پیش از همه مانیفستی سیاسی بود — دعوت به برداشتن سلاح برای انقلاب. لب مطلب این بود، و این هم حسن ختام معروفش:

کمونیست‌ها بیزارند از آن‌که آرا و اهداف‌شان را پنهان نگه دارند. آن‌ها علناً اعلام می‌کنند که هدف‌شان جز با سرنگونی قهرآمیز کل شرایط موجود محقق نخواهد شد.

1. "The Poor Oppressed People of England"

2. "The Diggers and Levellers"

گو طبقات حاکم از انقلاب کمونیستی لرزه به اندام‌شان افتد. پرولتاریا جز زنجیر دست و پایش چیزی برای از دست دادن ندارد. اما جهانی را به دست می‌آورد.

کارگران جهان، متحد شوید! [۳]

۱. مارکس خود عمیقاً به «شعر انقلاب» علاقه‌مند بود^۱ — شکل‌ها و عبارات‌هایی که انقلاب را به قالب یک سرود درآورند — از همین روست که راهبرد بلاغی مانیفست کمونیسم همان اندازه فکرشده و ساخته و پرداخته است که تحلیل سیاسی آن. [۴] مارشال برمن نیز بر این نکته انگشت گذاشته است: «مانیفست، به سبب قدرت تخیل و نیز بدان و درک امکان‌های درخشان و خوفناکی که لاجرم سرراه زندگی مدرن قرار دارد، سه‌ساله‌ای برجسته است. مانیفست، علاوه بر هر آنچه هست، نخستین اثر هنری رنگ‌مدرستی است.»^۲ [۵] تعجب ندارد که برتولت برشت می‌خواست «مختار» از آن بسازد با مصرع‌های شش‌رکنی^۳، چنان‌که سرگی آیزنشتاین می‌خواست از سرمایه‌یلمی بسازد. نسخه اصلی ظاهراً در برابر اقتباس مقاوم است، اما مقدمه‌اش خرد نه‌ی شعر منشور است و سرآغاز دراماتیکش به واقع نمایشی است. «شبحی بر فراز اروپا، سه می‌زند — شبح کمونیسم. قدرت‌های اروپای پیر جملگی وارد اتحادی هندس شده‌اند تا این شبح را بتاراندند: پاپ و تزار، مترنخ و گیزو، نیروهای رادیکال فرانسه و باسوسان پلیس آلمان.» [۶] بسیاری از این تعابیر پیشگویانه یا آینده‌گرایانه (دین‌پرستی) اند؛ در سال ۱۸۴۸ شبح کمونیسم، بیش از آن‌که کاخ‌های حکومتی اروپا را

۱. مارکس در سرآغاز هجدهم برومر لویی بوناپارت می‌نویسد: «انقلاب اجتماعی مواد و مصالح شعر خود را نه از گذشته بلکه تنها باید از آینده برگیرد.» — م.

۲. تجربه مدرنیته، مارشال برمن، ترجمه مراد فرهادپور، انتشارات طرح نو، ج ۸، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶. — م.

۳. وزن معیاری است که غالب آثار حماسی کلاسیک، مانند ایللیاد و اودیسه وانه‌اید، به آن سروده شده‌اند (Hexameter). — م.

تسخیر کرده باشد، صفحات مانیفست را تسخیر کرده بود. اما نوبت کاخ‌ها نیز فرا می‌رسید. شعر انقلاب فراموش ناشدنی است.

انقلاب مدام در تولید، آشفته‌گی دانمی کل شرایط اجتماعی، بی‌ثباتی و آشوب همیشگی، عصر بورژوازی را از همه اعصار پیشین متمایز می‌کند. کلیه مناسبات زیستی و صلب با سلسله تعصبات و باورهای باستانی و مقدس‌شان از بین می‌روند، کلیه مناسباتی که تازه شکل گرفته‌اند، قبل از آن که سخت و صلب شوند، منسوخ می‌شوند. هر آنکه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، هر آنچه مقدس است دنیوی می‌شود و به انجام آدمی ناچار می‌شود با دیدگانی هشیار با شرایط واقعی زندگی و روابطش. «... یوغا» سریش رویه رو گردد. [۷]

این راهبردها - اصلاً همین - رت‌ها - بعداً به دفعات در مانیفست‌های هنرمندان قرن بیستم بازایی و از نوطی می‌شوند. نویسنده مانیفست فوتوریسم از نویسندگان مانیفست کمونیسم تقلید کرد و نه بهشت: «کارگران ذهن، متحد شوید!» برای هنرمندان، حیات ذهن عملیاتی خیره‌کننده و هوس‌انگیز است. صد سال پس از ترجمه آثار مارکس به زبان انگلیسی، در روز، معماری که خود را وقف تجربه‌گری کرد، خود مانیفستی به نظم نوشت (م ۱۰):

من اعلام جنگ می‌کنم علیه تمام تمثال‌ها، تمام حتمیت‌ها، علیه تمام تاریخ‌هایی که خطاهای مرا و ترس‌های رقت‌آورم را به دست و پایم زنجیر می‌کنند.

من تنها دم را می‌شناسم، و زندگی‌هایی که به اندازه‌دمی هستند، و شکل‌هایی که با توش و توانی بیکرانه پدیدار می‌شوند، و نگاه «دود

می شوند و به هوا می روند».

من یک معمارم، سازنده جهان‌ها، ستاینده شور و شهوت که تنها بدن را می پرستم و ملودی را، سایه‌نمایی علیه ظلمت آسمان. نه من می توانم نام شما را بدانم، و نه شما می توانید نام مرا بدانید.

فردا که رسد، دست در دست هم ساختن شهری را آغاز خواهیم کرد.

بعد از مارکس هر کس که مانیفست نوشت، شبخ آن منورالفکر فقید بر فراز سرش پرده می زد.

مانیفست‌نویسی شکلی از احساس است. فوتوریست‌ها را شاید بتوان در میان هنرمندان نخستین اجرگاران میدان اعلام موجودیت آن‌ها چه به شکل مکتوب، چه بر روی صحنه، با این کردن اعلامیه‌ها از فراز نزدیک‌ترین ساختمان بلند، اجرایی بود از اصول‌شان بنیان‌گذاری فوتوریسم اتفاقی پرسروصدا بود. یکی از تیزبین‌ترین ناظران آن زمان تروتسکی، سازمان‌دهنده انقلاب روسیه، بود. تروتسکی ذهنی درخشان و قلمی زنده داشت. بعدها نوشت: «فوتوریسم در برابر هنر خرده‌رنالیست‌هایی که عام کرد که مانند انگل از زندگی ارتزاق می کردند.» [۸] مقدمه «مانیفست فوتوریسم» هم جز این نمی گفت:

از مسقط‌الرأس ایتالیا است که ما این مانیفست سرپا ستیزه‌جو و فتنه‌انگیز را به جهان صادر می کنیم، مانیفستی که امروز با آن «فوتوریسم» را بنیان می گذاریم، چراکه می خواهیم کشورمان را از بوی گند پروسورها، باستان‌شناسان، راهنمایان تورها، و عتیقه‌شناسانش برهانیم.